لزوم مراعات احتیاط در نقل شواذ قولی علماء

سر همین کشمش هم مرحوم صاحب ریاض با میرزای قمی قضیه‌ای دارند؛ این دیگر خیلی گفتنی نیست.

شاگرد: چون روز ولادت است، تتمه خوبی بود.

استاد: نه، میرزا طوری صحبت کرده‌اند که من ِطلبه نمی‌آید که تکرار کنم. همینطور شنیده باشید مانعی ندارد اما به من نمی‌آید. ولی خلاصه به همین کشمش مربوط است. فتوای صاحب ریاض بر جواز بوده و میزبان هم بودند. فتوای میرزای قمی بر اشکال بوده و میهمان بودند. بعد از سفره معلوم می‌شود. این اصل قضیه است.

شاگرد: اینکه در غذا کشمش بوده؟

استاد: بله. بعد از اینکه تمام شده بود، معلوم می‌شود فتوای میزبان بر جواز است و میهمان که میرزای قمی هستند اشکال دارند. میرزای قمی یک جمله کوچکی دارند! حاج آقا نقل می‌کردند. به‌خاطر صاحب ریاض است. علی ای حال دو بزرگ هستند. اگر اصل قضیه را بدانید؛ یعنی بدانید که چنین واقعه‌ای در لسان علماء بوده مانعی ندارد، اما درست نیست که من ِطلبه آن را نقل کنم. حتی خود من جمله‌ای را از خود آشیخ محمد تقی جعفری در یزد شنیدم، وقتی محضر حاج آقا پس گفتم حس کردم خوشایند حاج آقا نبود. یعنی با اینکه من خودم از ایشان شنیدم همه جا پس بگویم. از صورت حاج آقا معلوم بود که خوشایند ایشان نبود. ولو خود آشیخ محمد تقی گفته بودند و نقل هم از استاد حاج آقا بود. وقتی آن جمله را گفتم برای ایشان ناخوشایند بود. ولو آقای آشیخ مرتضی طالقانی در نجف نزد آشیخ محمد تقی جعفری این را گفته بودند، اما ما هم همینطور عین عبارت ایشان را هر کجا می‌رسیم بگوییم؟!

> 6:53

شاگرد: راجع به وفاتشان بود؟

استاد: بله، آشیخ محمد تقی آن را گفتند، من هم خیلی سنم بالا نبود. شاید زیر شانزده سال بودم که از محضر ایشان شنیدم. ولی خُب همینطور در ذهن من بود و در محضر حاج آقا گفتم، ایشان هم چیزی نگفتند اما از ایشان معلوم بود که هر چه از بزرگی خودش مطلبی را گفته ای در شرائطی آن را گفته، ما نباید آن را همه جا تکرار کنیم. لذا من قضیه را گفتم تا بدانید چنین چیزی هست.

من نظیر آن را عرض می‌کنم؛ مثلاً یکی از علمائی که هرچه گفته، دلنشین و زیبا است، مرحوم فاضل اردکانی است. رضوان‌الله‌علیه! ولی وقتی ایشان گفته، یعنی ما هم همه جا بگوییم؟! هر چیزی جایی دارد. هر چه هم بشنوید و دنبالش بلند شوید و بگویید آقای فاضل اردکانی در فلان مقام چه گفته ...؛ هر چه بدنبال حرفهای ایشان باشید خوب است. ایشان شبهه اعلمیت با شیخ انصاری داشته. از شیخ سنشان کمتر بوده. بعد از شیخ عده‌ای سراغ ایشان می‌آمدند و می‌گفتند رساله بدهید تا از شما تقلید کنیم، ایشان هم مطالبی را می‌گفتند که در السنه معروف است. اگر شما اینها را جمع‌آوری کنید می‌بینید خوب است.

آن چیزی را که می‌توانم بگویم و برای شما نافع است، این است: یک هم حجره ای داشتیم، برای ایشان حالات مختلفی پیش می‌آمد. غیر از مریضی مزاجی، حالات دیگری هم بود. به من می‌گفت همینطور حال انسازی داشتیم، خیلی ناجور بود، از سر استیصال، شب به درب منزل حاج آقای بهجت رفتم و استجازه گرفتم و به داخل رفتم. نشستم و شروع به عرض حال کردم. می‌گفت حاج آقا قشنگ گوش دادند و بعد از اینکه تمام شد، یک کلمه به من گفتند. فرمودند حیف که من آخوند اردکانی نیستم! بعد گفتند آخوند اردکانی فحش می‌داد اما فحش ایشان درس اخلاق بود؛ تغییری جوهری می‌داد. فحش می‌داد اما می‌دیدی طرفی که آن فحش را شنیده بود، تغییر ماهیت می‌داد. لذا می‌گفت حاج آقا فرمودند دوای همه این مشکلات تو، یک فحش آخوند است. اگر از آن فحش ها بخوری تمام است. خُب ببینی شخصی به این صورت است. علی ای حال یک چیزی می گفته، اما مثل حاج آقا می‌گفتند ظاهر کلامش این بوده اما باطنش آنطور بوده.

شاگرد: در مورد آخوند کاشی هم همین را می‌گویند.

استاد: بله، از ایشان هم جملاتی هست.

علی ای حال در آن بزرگ‌ایی که داشتند مانعی ندارد چیزهایی بگویند. اما اینطور نیست که من طلبه مجاز باشم در هر شرائطی آنها را بگویم. اینها را گفتم تا هم زمینه کار را بدانید و هم اگر اینها را میدانید همه جا نگویید. سلیقه در گفتن مهم است. الآن ممکن است من بی سلیقه باشم و محضر شما احتماء بی جا کنم و شما آن را نپسندید. اما خُب همین احتماء بی جای من، سبب می‌شود که شما سر جایش کاربرد به جای الفاظی را که شندید، داشته باشید. هر چه را شنیدید همه جا نگویید.

خُب علی ای حال میرزا گفته بودند. من احتمال میدهم که در کتاب حاج آقا باشد.

بازبینی #1
ایجاد شده 30 آوریل 2026 11:43:28 وسط ... .
به روزرسانی شده 30 آوریل 2026 11:44:26 وسط ... .